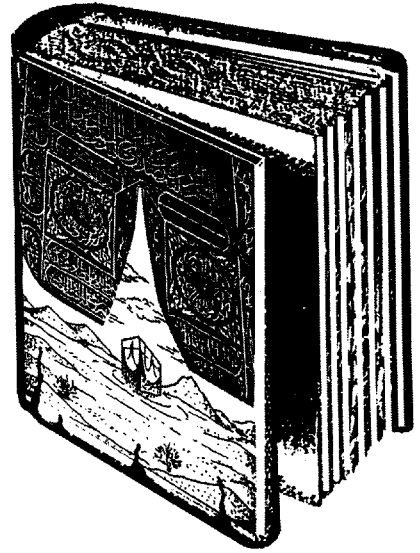


جامه کعبه در عصر جدید



محمد الدقن / هادی انصاری

مصری، به همراه جامه و محمل، راهی «سوئز» شد تا از آنجا، از راه دریا به سوی «جده» حرکت کنند.

در سال ۱۲۲۱ هـ. جشن حرکت جامه و محمل، در روز شنبه هشتم ذی القعدة برگزار شد و ناظر جامه^۱ «محمود آغا الجزیری» بود.

پیشاپیش کاروان، آغا و والی و حسابدار و گروه راهنمایان و نیز جمع بسیاری از سربازان حرکت می‌کردند. به دنبال آن کاروان، کاروان دیگری به سرپرستی امیرالحاج مصری، «مصطفی جاویش العتبلی» به سوی آن سرزمین مقدس به حرکت درآمد.

در آن سال، امیر سعود - رهبر

تسلط محمد علی بر اوقاف
و ساختن جامه از خزانه مصر

وقتی محمد علی در ربیع الأول سال ۱۲۲۰ هـ. والی مصر شد، همچون گذشته، از درآمد اوقاف ویژه جامه، اقدام به ارسال کاروان محمل و جامه و خزانه کرد و همه ساله هدایای تخصیص یافته بر حرمین شریفین؛ مکه مکرمه و مدینه منوره را ارسال می‌نمود.

در روز دوشنبه ۱۴ ذی القعدة سال ۱۲۲۰ هـ. جشن حرکت کاروان محمل و جامه کعبه پایان گرفت و امیرالحاج در آن سال «مصطفی جاویش العتبلی» بود که صراف خزانه نیز او را همراهی می‌کرد. در روز جمعه ۱۸ ذی القعدة کاروان حج

سلفی‌ها - به همراه لشکری عظیم حج گزارد و وی با امیر کاروان مصری، مصطفی جاویش برخورد تندی کرد و نسبت به بدعت‌هایی نظیر طبل‌ها و نی‌لبک‌ها، که به همراه خود آورده بودند و آنها را می‌نواختند، اعتراض و سرزنش نمود.

«جبرتی» درباره سخنانی که میان آن دو ردّ و بدل شد، چنین می‌نویسد:

«... مسعود وهابی بال لشکری فراوان به مکه رسید و حج را در میان مردم، بی آن که به کسی آسیبی برساند و در امنیت کامل و ارزانیِ ارزاق به جا آورد، سپس «مصطفی جاویش» امیر کاروان مصری را احضار کرد و بدو گفت: این چوب‌دستی‌ها و طبل‌هایی که به همراه کاروان شما است، چه معنایی دارد؟! منظور او از چوب‌دستی، محمل بود. امیرالحاج در جواب گفت: آنها طبق عادت، اشاره و علامت برای اجتماع مردم است. سعود گفت: پس از این سال چنین چیزهایی را به حج نیاور و اگر بیاوری همه را آتش خواهم زد...»^۲

از آن سال بود که ارسال جامه از سوی مصر متوقف شد تا این که دولت عثمانی بار دیگر نفوذ خود را بر

سرزمین‌های مقدس گسترانید و مصر مجدداً ارسال جامه را در موسم سال ۱۲۲۸ ه. از سر گرفت.^۳

گفتنی است، هنگامی که مصر تهیه و ارسال جامه را از سر گرفت، هزینه آن را از محل درآمد وقف زمان سلطان سلیمان قانونی صرف نکرد، بلکه از محل خزانه مصری پرداخت. این بدان جهت بود که در سال ۱۲۲۸ ه. محمد علی، والی مصر به تمامی اوقاف مصر دست گذاشت، به طوری که حتی اوقاف جامه شریف کعبه و اوقاف حرمین شریفین نیز مستثنی نشد. او تمامی اوقاف مصر را به خزانه مصر وارد کرد. از آن پس اداره ویژه‌ای به نام «اوقاف حرمین شریفین» به وجود آمد که تمامی موارد وقف این سرزمین، زیر نظر آن قرار گرفت و پس از آن بود که تمامی هزینه‌های جامه کعبه مشرفه و موارد تخصیص یافته به حرمین شریفین؛ شامل خزانه و حبوبات و خوار و بارهای گوناگون، همگی از محل خزانه مصری تأمین می‌گردید.

بی شک این گونه تصرفات از سوی محمد علی، تجاوز و تعدی به این وقف عظیم به شمار می‌آمد که در نتیجه، جامه کعبه و موارد ارسالی به حرمین شریفین،



فرستاد و این در حالی بود که حکومت مصر جامه کعبه را همانند گذشته در سال ۱۳۳۳ هـ. بدون محمل به این دیار ارسال کرد، به این صورت که مأموران سلطنتی، محمل، جامه و خزانه را به مرز جده رساندند و در آنجا آنها را به نماینده امیر مکه تحویل دادند و خود به مصر بازگشتند.

به طراز (= کمر بند) جامه یاد شده نام «سلطان حسین کامل»، پادشاه مصر، اول صفر ۱۳۳۳ تا ۲۲ ذی الحجه ۱۳۳۵ هـ.) در کنار نام سلطان عثمانی «محمد رشاد» نقش بسته بود. امیر مکه مکرمه «شریف حسین بن علی» با والی حجاز «غالب پاشا» اتفاق نمودند قطعه‌ای را که نام سلطان مصر بر آن بود، از روی جامه بردارند و قطعه قدیمی را که تنها نام^۴ «سلطان محمد رشاد» بر آن نوشته شده بود، جایگزین کنند، پس خاندان شیبی‌ها (پرده داران کعبه) این کار را به انجام رسانیدند.

اما جامه‌ای که از سوی دولت عثمانی ارسال گردید، همچنان تا سال ۱۳۴۱ هـ. در مدینه منوره باقی ماند.

مصر در هر سال برای کعبه مشرفه جامه‌ای ارسال می‌کرد و در سال ۱۳۳۶ هـ.

وابسته به شرایط سیاسی دولت گردید و هرگاه شرایط سیاسی میان حکومت مصر و دستگاه حاکمه حجاز دستخوش تغییرات می‌شد و به سردی می‌گرایید، تأثیر به سزایی در ارسال جامه از مصر و یا توقف آن می‌گذاشت، تا آنجا که در مواردی دستگاه حاکمه حجاز از پیاده شدن جامه کعبه در سرزمین‌های مقدس جلوگیری کرد. در این باره سخن خواهیم گفت.

در هر صورت، مصر جامه کعبه را به همراه محمل، در هر سال به سوی این دیار می‌فرستاد و این نشان می‌دهد که آنان نسبت به انجام وظیفه دینی خود در مورد بیت‌الله الحرام جدی بوده‌اند.

در روز هشتم رمضان سال ۱۳۳۲ هـ. آتش جنگ جهانی اول شعله‌ور گردید و مصر به عادت همیشگی خود، در آن سال نیز جامه کعبه مشرفه را ارسال کرد.

هنگامی که دولت عثمانی به همیاری آلمان و متحدین بر ضد انگلیس و هم‌پیمانانش وارد جنگ شد، به تصور آن که انگلیس اعلام حمایت از مصر کرده است، مانع از ارسال جامه به کعبه شد و خود جامه کعبه را مهیا ساخت و آن را به وسیله راه آهن حجاز به مدینه منوره

بر روی جامه فرستاده شد، نام سلطان «فؤاد اول» که در ۲۲ ذی الحجه سال ۱۳۳۵ هـ. بر حکومت مصر دست یافته بود، دیده می‌شد و این بعد از قیام «شریف حسین» بود که به عنوان انقلاب عربی بر ضد حکومت ترکیه، در رمضان سال ۱۳۳۴ هـ. راه انداخت. همچنین به فرمان سلطان فؤاد اول پرده نوینی را جایگزین پرده پیشین که نام خدیو «عباس حلمی دوم» بر آن بود، کردند.

از آن پس تا سال ۱۳۴۱ هـ. جامه کعبه همچنان همه ساله به نام سلطان «فؤاد اول» ارسال می‌گردید که بر جامه یاد شده، جمله «صاحب الجلالة الملك فؤاد الأول» نقش بسته بود.^۵

ماجرای هیأت اعزامی پزشکی و بازگشت جامه در سال ۱۳۴۱ هـ

در سال ۱۳۴۱ هـ. اختلافی میان حکومت مصر و شریف «حسین بن علی»، پادشاه حجاز پیش آمد. حادثه این گونه بود که به هنگام رسیدن محمل مصری، به وسیله کشتی اختصاصی به مرز جده، به همراه آن، جامه کعبه مشرفه و گندم و سربازان و پاسداران محمل و نیز هیأت پزشکی قرار داشتند. «شریف

حسین» به آمدن هیأت پزشکی اعتراض کرد و مانع از ورود آنان به مکه مکرمه شد. به دنبال این اختلاف کاروان محمل به وسیله همان کشتی با تمامی تجهیزاتش؛ نظیر گندم و جامه کعبه و جز اینها، که شامل خزانه و مستمری‌ها و صدقات بود، از مرز جده برگردانده شد. این حادثه در پایان ماه ذی القعدة آن سال اتفاق افتاد. «شریف حسین» هنگامی که وضع را چنین دید، تلگرافی به مدینه منوره زد و از امیر آن خواست به سرعت جامه‌ای را - که عثمانیان در سال ۱۳۳۳ هـ. ساخته و در مدینه منوره به ودیعت نهاده بودند - به مرز «رابغ» ارسال نماید.

نامبرده آنگاه یکی از کشتی‌های خود در جده را راهی رابغ کرد تا جامه را به جده انتقال دهد و این کار به سرعت انجام شد و سپس از جده به مکه مکرمه انتقال یافت.

جامه، در همان روزی که کعبه به وسیله آن پوشانده می‌شد؛ یعنی در روز عید قربان، به مکه رسید و کعبه در سال ۱۳۴۱ هـ. پوشانیده شد.^۶

در این میان برخی از محققان معاصر^۷ جریان اختلاف میان حکومت مصر و شریف حسین را که منجر به



ماجرای محمل و توقف ارسال جامه

از مصر به مدت ده سال

در سال ۱۳۴۴ ه. جنگ با عقب نشینی ملک علی بن الحسین از حجاز (جمادی الثانی ۱۳۴۴ ه.) به پایان رسید و قدرت در دست ملک عبدالعزیز آل سعود قرار گرفت. پس در آن سال، جامه کعبه مشرفه به همراه محمل ارسال گردید که جامه ارسالی بر کعبه قرار داده شد، لیکن در آن سال حادثه مشهور محمل در منا اتفاق افتاد. و آن بدین صورت بود که: میان پاسداران محمل مصری و برخی از اعراب، به علت همراهی گروه موزیک و طبل زنان و نی زنان و سنت‌های دیگری که هیچ گونه تضادی با دین نداشت لیکن سلفی‌ها آن را بدعت می‌دانستند، درگیری رخ داد و اعراب به محمل یورش بردند. در این درگیری پاسداران محمل برای پراکنده کردن متجاوزان گلوله‌هایی شلیک کردند که در نتیجه هرج و مرج و سر و صدای میان حاجیان به وجود آمد. این امر موجب گردید که ملک عبدالعزیز آل سعود از ورود محمل و سربازان آن، به سرزمین حجاز جلوگیری به عمل آورد که در نتیجه مصر از ارسال جامه کعبه در سال ۱۳۴۵ ه. خودداری کرد و این امر را

بازگردانده شدن جامه و سایر موارد اهدایی به مصر گردید، بررسی کرده و در پایان حکومت مصر را مورد سرزنش و توبیخ قرار داده‌اند.^۸

در سال ۱۳۴۲ ه. شریف حسین با توجه به اختلافی که میان او و حکومت مصر به وجود آمده بود و از بیم آن که مبدا در سال بعد جامه از مصر ارسال نگردد، دستور داد برای احتیاط جامه‌ای از نوع قیلان^۹ در عراق تهیه کنند که این جامه بافته شد و آماده گردید. لیکن در سال یاد شده اختلافات بر طرف گردید و مصر مجدداً جامه کعبه را ارسال کرد که بر کعبه معظمه پوشانده شد. جامه ساخته شده به دستور شریف حسین، همچنان محفوظ ماند تا این که در سال ۱۳۴۳ ه. وقتی «ملک عبدالعزیز آل سعود» به مکه مکرمه سلطه یافت و میان او و شریف حسین جنگ درگرفت و سپس این درگیری میان او و شریف علی بن الحسین (ملک علی بن الحسین) تا جمادی الثانی سال ۱۳۴۴ ه. ادامه یافت و ارسال محمل و جامه از مصر به دلیل جنگ‌های یاد شده متوقف گردید، «ملک عبدالعزیز آل سعود» در سال ۱۳۴۳ ه. کعبه را با همان جامه قیلانی پوشانید.^{۱۰}

منوط به تفاهم میان مصر و دولت عربستان دانست.

وقتی در سال یاد شده جامه شریفه از مصر ارسال نشد، ملک عبدالعزیز آل سعود فرمان داد که در ماه ذی الحجه، جامه کعبه را به سرعت مهیا سازند که این جامه ظرف چند روز از ماهوت سیاه ارزشمندی که دارای آستری گران بها بود فراهم گردید. این جامه در زمان مقرر خود؛ یعنی در دهم ذی الحجه سال ۱۳۴۵ هـ. بر کعبه پوشانده شد.^{۱۱}

قرار داد تفاهم میان مصر و سعودی و ارسال مجدد جامه از مصر

به دنبال این ماجرا، تماس هایی میان دو دولت مصر و سعودی برقرار گردید و در نتیجه تفاهمی میان دو طرف به وجود آمد، سپس «فؤاد بیک حمزه» وزیر امور خارجه سعودی به عنوان نماینده از سوی ملک عبدالعزیز آل سعود برای مذاکره درباره موارد اختلاف، که در نتیجه آن، ارسال محمل و جامه و سایر هدایای اختصاص یافته به حرمین شریفین متوقف گردیده بود، به مصر سفر نمود.

در این مذاکرات فؤاد بک حمزه وزیر امور خارجه سعودی و آقای «فوزان

السابق» کاردار امور سعودی در مصر از سویی و از سوی دیگر نخست وزیر «مصطفی النحاس پاشا» و «عبدالحمید بدوی پاشا» مستشار حکومتی مصر و «شیخ محمد النبا» رئیس اداره امور دینی قاهره با هم به مذاکره پرداختند. این گروه پس از رسیدگی به مسائل مورد اختلاف، قراردادی را میان خود به امضا رساندند و سپس متعهد شدند که چهار بند توافق نامه، همزمان به وسیله مصطفی نحاس پاشا نخست وزیر مصر و فؤاد بک حمزه نماینده وزارت امور خارجه سعودی به نظر پادشاه مصر و نظر ملک عبدالعزیز آل سعود در سعودی برسد و سپس به عرض عموم رسانده شود. زمان اعلان این موافقت نامه پگاه روز جمعه ششم ماه رمضان سال ۱۳۵۵ هـ. (۲۰ نوامبر ۱۹۳۶ م.) تعیین گردید.

توافق نامه یاد شده دارای چهار بند بود بدین ترتیب:

- ۱- جامه و محمل.
- ۲- صدقات برای نیازمندان حجاز و اوقاف حرمین شریفین.
- ۳- گذرنامه مصریان و سعودیان.
- ۴- حاجیان و عوارض آنان هنگام ورود به سرزمین حجاز.



مصر درباره از سرگیری صرف صدقات به نیازمندان حجاز و نیز ارسال مجدد غلات اوقاف حرمین شریفین به این دیار و استفاده آن در سرزمین مقدس، تدابیر لازم را اتخاذ کرد که این بند، از آغاز موسم حج سال آینده عملی گردد. گفتنی است که دولت مصر خود نماینده‌ای جهت نظارت بر امر تقسیم صدقات تعیین نماید و از مازاد غله اوقاف یاد شده - در حدود قوانین شرعی - بر ساختمان حرمین شریفین و آبریزگاه‌های متعلق به آن با توافق دو دولت مصر و سعودی نسبت به تصمیمات ویژه‌ای که اتخاذ می‌شود در آن کارها عمل نمایند.

ج) درباره گذرنامه مصریان و سعودیان: که این موضوع خارج از بحث ما است.

د) درباره عوارض و مالیات‌هایی که در هر سال بر حاجیان تعیین می‌گردد: حکومت عربستان در یادداشت خود به دولت مصر، تصریح کرد که از این پس پیش از موسم حج هر سال، مقررات و آیین‌نامه‌های ویژه‌ای را درباره عوارض و مالیات‌ها و تکالیفی که هر حاجی هنگام ورود به این سرزمین ملزم به انجام آن می‌باشد، تعیین خواهد نمود.

این موافقت‌نامه به دو زبان عربی و فرانسوی در شمارگانی فراوان چاپ گردید و در اختیار روزنامه‌نگاران مصر و نیز روزنامه «ام القری» در حجاز قرار داده شد. همچنین در تاریخ یاد شده به وسیله رادیوهای دو کشور نیز اعلام رسمی گردید.

مضمون پیمان یاد شده میان طرفین به صورت زیر خلاصه می‌گردد:

الف) در مورد جامه و محمل: مصر نسبت به ارسال جامه شریفه در موسم سال جاری (۱۳۵۵ هـ.) اقدام کند و محمل نیز همانند سابق در زمان مقرر از قاهره به حرکت درآید و آنگاه که به جده رسیدند، محمل در جده بماند و جامه به مکه مکرمه ارسال گردد و با تشریفات که در شأن آن است، جامه بر روی کعبه معظمه قرار داده شود و باید این متن بر روی جامه گلدوزی شود:

«اهدیت اِلَى الْكَعْبَةِ الْمُشْرِفَةِ فِي عَهْدِ
حَضْرَةِ صَاحِبِ الْجَلَالَةِ السَّلْمِكِ
عَبْدِ الْعَزِيزِ آلِ سَعُودِ مَلِكِ الْمَمْلَكَةِ
العربية السعودية»^{۱۲}

ب - درباره صدقات به نیازمندان حجاز و اوقاف حرمین شریفین: دولت

ه) اما بند ویژه این موافقت‌نامه نسبت به محمل و جامه به هنگام ورود آنها به جدّه: که آن به صورت زیر خلاصه می‌شود:

هنگام ورود کشتی حامل جامه شریفه و محمل به بندر جدّه، از سوی دولت عربستان سعودی استقبال رسمی به عمل آید و مراسم سلام نظامی برای آنها اجرا گردد. سپس محمل با نظر بزرگان هیأت اعزامی، تا پایان موسم حج در جایگاه ویژه‌ای در جدّه که مورد احترام باشد، قرار گیرد.

سپس کاروان جامه نیز، تارسیدن به در حرم شریف مکی، مورد استقبال قرار گرفته آنگاه در آن مکان تسلیم دولت‌مردان رسمی عربستان می‌شود. سپس امیر الحاج نامه‌ای را که در آن صورت اوقاف حجاز و مبالغ انفاقی و نیز نام اشخاصی که از سوی دولت مصر برای توزیع و تقسیم مبالغ یاد شده تعیین گردیده، به نماینده وزارت امور خارجه عربستان تسلیم می‌نماید.

همچنین امیر الحاج مصری - به هنگام اقامت خویش در حجاز - با پادشاه آن ملاقات کرده، نامه‌ای را که از سوی پادشاه مصر ارسال گردیده، تقدیم

می‌دارد، همچنین جواب نامه یاد شده را نیز خود برای پادشاه مصر دریافت می‌کند.^{۱۳}

اختلاف سیاسی میان مصر و عربستان و توقف نهایی ارسال جامه از آن

پس از به وجود آمدن تفاهم میان دو دولت و برقراری پیمان یاد شده، مصر ارسال جامه شریفه و وابسته‌های حرمین شریفین را، دیگر بار از موسم حج سال ۱۳۵۵ هجری از سر گرفت و همچنان همه ساله آن‌ها را ارسال می‌کرد. هنگام برپایی انقلاب ۲۳ ژوئیه سال ۱۹۵۲ میلادی / ۱۳۷۱ هجری در مصر، حکومت انقلاب همچنان نسبت به ارسال جامه شریفه مانند پیش توجه ویژه‌ای از خود نشان می‌داد و تا موسم حج سال ۱۳۸۱ ه. همچنان در زمان معین نسبت به گسیل آنها اقدام لازم را به عمل می‌آورد، لیکن در سال یاد شده به علت بروز اختلاف سیاسی میان مصر و سرمداران دولت عربستان سعودی که در آن هنگام در دوران ریاست جمهوری «جمال عبدالناصر» در مصر و ملک «سعود بن عبدالعزیز» در عربستان بود. دولت مصر باز همچنان نسبت به ارسال

قانونی هفت دهکده دیگر در کنار سه دهکده یاد شده قرار داد و در نتیجه این موقوفه به ده روستا رسید.

جامه‌ای که در سال ۱۳۸۱ ه. به مصر باز گردانده شد، تاکنون همچنان در قفسه‌های چوبی در «کارگاه جامه کعبه»^{۱۵} در خرنفش واقع در قاهره قرار دارد و بازدید کنندگان می‌توانند پس از گذشت ربع قرن از آن تاریخ، آن را همچنان محکم و استوار ملاحظه نمایند.^{۱۶}

اما حاجیان مصری و دیگر اعضای هیأت اعزامی همراه جامه نیز پس از این اقدام، از پیاده شدن به خاک عربستان خودداری کردند و ممانعت از پیاده شدن جامه را دلیل ممانعت از حج خویش (و مصدود شرعی)^{۱۷} به شمار آوردند و با آن که دولت عربستان کوشش فراوانی برای انجام فریضه حج حاجیان مصری به عمل آورد،^{۱۸} لیکن آنان کار را از پیش نبردند و همگی به همراه جامه کعبه بدون انجام مناسک حج در آن سال، به مصر بازگشتند.

در سال ۱۳۸۲ ه. دولت عربستان سعودی اقدام به بازگشایی کارگاه جامه در مکه مکرمه کرد و تا سال ۱۳۹۷ ه. جامه کعبه در این کارگاه مهیا می‌گردید. از

جامه کعبه و وابسته‌های آن اقدام لازم به عمل آورد و در زمان معینی همانند پیش، آنها را ارسال نمود لیکن دولت عربستان از پیاده کردن جامه کعبه از کشتی در جده جلوگیری کرد و علت آن را این گونه بیان کرد:

«جامه‌ای که از مصر برای کعبه ارسال می‌گردد، به علت ساخته شدن از نخ‌های غیر مرغوب، به سرعت فرسوده و پاره می‌گردد»^{۱۴}

این عذر بی‌شک عذری واهی و دلیلی غیر قابل قبول بود؛ زیرا در طول تاریخ طولانی حتی پیش از آن که اسلام به کشور مصر وارد شود، خلفا پارچه قباطی مصر را برای جامه کعبه ترجیح می‌دادند. از آن پس هنگامی که خورشید اسلام در مصر طلوع کرد، این کشور همواره در طول قرون متوالی، ویژگی خاصی را نسبت به ساخت و تهیه جامه کعبه به دست آورد، تا آنجا که پادشاهان مصر برای پشتوانه این کار، سه روستا را وقف این کار کردند و عایدات آن را به مصرف تهیه کارگاه جامه به کار بردند. همچنین پس از آن که مصر زیر نفوذ قدرت عثمانی درآمد، سلطان سلیمان

آن پس کارگاه یاد شده به کارگاه نوینی در «امّ الجود» واقع در مکّه مکرمه انتقال یافت و از آن هنگام تا کنون جامه شریفه در کارگاه یاد شده بافته و آماده می‌گردد.

• پی‌نوشتها:

- ۱ - به مدیر کارگاه جامه بافی، در آن هنگام ناظر جامه می‌گفته‌اند، «مترجم»
- ۲ - جبرتی، عجائب الآثار ... ج ۶، صص ۲۳۱، ۲۵۸، ۲۵۹، ۳۰۷، ۳۰۸ و ۳۶۳
- ۳ - همان، ج ۷، صص ۲۲۲ و ۲۲۵
- ۴ - حسین عبدالله باسلامه: تاریخ الکعبه المعظمه، ص ۲۸۸ و ۲۸۹
محمد ظاهر الکردی: التاریخ القویم، ج ۴، ص ۲۰۶
- ۵ - یوسف احمد: المحمل و الحج، ج ۱، ص ۲۶۲
- ۶ - حسین عبدالله باسلامه، تاریخ الکعبه المعظمه، صص ۲۸۹ و ۲۹۰
- ۷ - حسین بن محمد نصیف: ماضی الحجاز و حاضره، چاپ اول جده ۱۳۴۹ هـ. صص ۹۵ و ۹۶
- ۸ - نویسنده کتاب در این جا به صورت مشروح مطلب را عنوان کرده و دو دولت را به محاکمه کشیده است که از مطرح کردن آنها در این بخش خودداری گردید، «مترجم».
- ۹ - نوعی پارچه که در عراق تهیه می‌شده و ظاهراً از مقاومت ویژه‌ای نسبت به حرارت و سرما برخوردار بوده است، «مترجم».
- ۱۰ - حسین عبدالله باسلامه، تاریخ الکعبه المعظمه، ص ۲۸۱
محمد ظاهر الکردی، التاریخ القویم، ج ۴، ص ۲۰۷
- ۱۱ - ارزقی، اخبار مکّه، ج ۱، پاورقی ص ۲۵۹
یوسف احمد، المحمل و الحج، ج ۱، صص ۲۶۲ و ۲۶۳
- ۱۲ - در دوران پادشاهی عبدالعزیز آل سعود، فرمانروای دولت عربستان سعودی به کعبه مشرفه اهدا گردید.
- ۱۳ - به متون پیمان نامه‌های رسمی میان مصر و عربستان منتشر شده در نوشته یوسف احمد، المحمل و الحج، ج ۱، صص ۲۰ - ۱۴ مراجعه شود.
- ۱۴ - محمد محمد المدنی، رأی الدین فی حادث الکسوه، بحثی علمی، دینی و تاریخی به مناسبت رد ملک سعود نسبت به جامه اهدایی از سوی جمهوری عربی متحد (مصر) به کعبه در موسم سال ۱۳۸۱ هـ. / ۱۹۲۶ م. طرح کرده است.
- ۱۵ - دار الکسوة الشریفه.



- ۱۶ - مؤلف به دیدار این جامه در کارگاه خود در خرنفش، واقع در قاهره اقدام کرده است.
- ۱۷ - هرگونه ممانعت از ورود به حرم به هنگام موسم را، شرعاً، مصدود می‌گویند. که در این حال استطاعت حج از مستطیع سلب می‌گردد. (مترجم).
- ۱۸ - محمد محمد المدنی، رأی الدین فی حادث الکسوة، صص ۲۵، ۲۷ و ۲۸